

# فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال دوازدهم، شماره ۴۳، تابستان ۱۳۹۷  
صفحه ۷۳ تا ۹۰

**رویکردی جامعه‌شناختی به درهم‌تنیدگی مذهب و خشونت:**

## مطالعه موردی داعش

احمد بخشایشی اردستانی / استاد تمام دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکز

ahm.bakshayeshiardestani@iauctb.ac.ir

جواد لقمان زاده / دانشجوی دکتری علوم سیاسی گرایش مسائل ایران دانشکده علوم سیاسی واحد تهران

مرکز

### چکیده

بسیاری از ناظران، در تحلیل و بررسی اقدامات و سیاست‌های داعش، به تفسیر مذهبی آنان رجوع می‌کنند. سؤال اساسی و اصلی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن می‌باشد این است که مؤلفه‌های اجتماعی تا چه میزان در شکل‌گیری داعش در عراق و سوریه و بکارگیری خشونت در اقدامات آن ایفای نقش کرده‌اند؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که ریشه اصلی ظهور این گروه و پیوستن اعراب سنی به آن، مؤلفه‌های اجتماعی همچون ترس و تهدید وجودی و فرهنگی بوده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اگرچه ریشه‌های مذهبی داعش به تفسیر افراط‌گرایانه از اسلام مربوط می‌شود اما این گروه بدون حمایت اعراب سنی و جوانان حاشیه‌ای و مهاجر کشورهای غربی نمی‌توانست تداوم پیدا کند. مردمی که با سقوط صدام و پس از آن خروج آمریکا و خلاء قدرت ایجاد شده به سمت داعش متمایل شدند که با رویکرد مذهبی، تضمین بقای فرهنگی و پیروزی نهایی را به آنها وعده داده بود. روش تحقیق در این مقاله، توصیفی-تحلیلی است.

**کلیدواژه:** داعش، ترس، فرهنگ خشونت، جوانان حاشیه‌ای، خلافت مجازی، نگرش آخرالزمانی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۷/۰۳/۱۳

تاریخ دریافت ۱۳۹۷/۰۲/۰۸

### مقدمه

در بررسی و مطالعه گروه داعش بسیاری از مفسران مذهبی بر این باورند که این گروه اساساً مسلمان نیستند. این ناظران برای استدلال‌های خود به منابع اندیشه‌ای و برهان‌های قرآنی رجوع می‌کنند و از دولت خودخوانده اسلامی با عنوان تکفیری‌ها یاد می‌کنند. سئوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه علل اجتماعی در ظهور و تداوم گروه تروریستی داعش نقش داشته‌اند؟ این مقاله بر این باور است که داعش یک جنبش افراط‌گرای مذهبی است که اگرچه بر اساس تفسیر افراط‌گرایانه از مذهب ظهور کرده است اما قدرت خود را از مؤلفه‌های اجتماعی و کژکارکردی‌های سیاسی گرفته است. در حقیقت از زمان شروع تحولات موسوم به انقلاب‌های عربی و نیز حمله آمریکا به عراق فضای امنیتی این کشورها به سمتی پیش رفت که زمینه ظهور گروه‌های تروریستی با مبانی اندیشه سلفی-تکفیری را فراهم کرده است. این گروه‌ها به سرعت قلمرو زیادی را در عراق و سوریه اشغال کردند و یک جنگ خونین، جدایی طلبانه و فرقه‌گرایانه شروع شد. در این فضا آنچه باعث رشد و قدرت این گروه تروریستی شده است بسترهای اجتماعی موجود در جامعه عراق و سوریه و نیز استراتژی‌های داعش بویژه ابعاد آخرالزمانی و وعده قدرت بخشی به اقلیت اعراب سنی بوده است که با سقوط صدام خود را در محاصره اکثریت شیعی و نیروهای محلی تنها یافته بودند. بر این اساس به سمت گروه افراط‌گرای سنی داعش تمایل پیدا کردند که به آنها وعده‌هایی داده بود. علاوه بر این در طول سه سال سلطه این گروه بر بخش‌های وسیعی از دو کشور اشغال شده، از طریق تعاملات اینترنتی بویژه فیس بوک و توئیتر شروع به جذب جوانان از کشورهای مختلف آمریکا، اروپا، ترکیه و ... کرده بود که همگی به نوعی در حاشیه قرار گرفتند و وعده‌های داعش را راه حل نجات فرهنگی و فیزیکی خود می‌دانستند. بر این اساس این مقاله تلاش دارد تا با رویکردی جامعه‌شناختی به بررسی ابعاد و زمینه‌های اجتماعی ظهور و تداوم قدرت دولت خودخوانده اسلامی داعش پردازد.

### ۱- پیدایش داعش و افول آن در بعد میدانی

گروه تروریستی داعش که از سال ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرده است و خود را دولت اسلامی شام و عراق می‌نامد، بخش‌هایی از عراق و سوریه را به تصرف خود درآورده است. این گروه به سرکردگی ابوبکر بغدادی که دارای عقاید شدید وهابی و سلفی است، به رادیکال‌ترین گروه اسلامگرا تبدیل شده است. داعش در واقع ادامه یک

گروه سلفی جهادی در عراق به رهبری ابو مصعب زرقاوی بود. زرقاوی اعتقادات خود را از درس‌های ابن تیمیه گرفته است. ابن تیمیه رهبر گروه‌های رادیکال اسلامگرا و جهادی است. این عقاید از ابن تیمیه به محمد ابن عبدالوهاب و سپس از وی به رهبران نوسلفیسم کنونی به ارث رسیده است (نجات، ۱۳۹۵: ۳۵ در خاکسار و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰).

در اکتبر ۲۰۰۴ الزرقاوی با بن‌لادن و القاعده بدعت کرده و نام سازمان خود را به سازمان «جهاد در بین‌النهرین» تغییر داد که به‌طور کلی به آن «القاعده عراق» می‌گویند. با اینحال حملات این گروه به مردم عادی و نیروهای دولت عراق، دیپلمات‌ها و سربازان آمریکایی توانست به همان شدت سابق ادامه پیدا کند. در ژانویه‌ی ۲۰۰۶ القاعده‌ی عراق به برخی از گروه‌های کوچک‌تر نظامی ملحق شد و مجلس شورای مجاهدین عراق (مجلس شوری المجاهدین فی العراق) را تشکیل داد. (Gambil, 2004)

این گروه به دنبال ایجاد رنگ و بوی عراقی به سازمان بوده و تلاش داشته تا از این طریق تا حدی خود را از سازمان القاعده‌ی قبلی و خطاهای الزرقاوی جدا کنند. در جون ۲۰۰۶ حملات هوایی آمریکا منجر به کشته شدن الزرقاوی شده و بعد از آن ابویوب المصری جایگزین وی شد. در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۶ مجلس شورا با سه گروه کوچک‌تر و شش قبیله‌ی سنی دیگر متحد و ائتلاف «مطیین» را ایجاد کرد که هدف آن به گفته این گروه رهایی سنی‌ها از سرکوب مسلمانان شیعه و نیروهای غربی و بازگرداندن اسلام به دوران طلایی‌اش ذکر شده است. روز بعد از این واقعه مجلس شورای مجاهدین، ظهور دولت اسلامی عراق را اعلام کرد. داعش به دنبال دست یافتن به قدرت در مناطق غربی و مرکزی عراق و تبدیل آن به خلافتی سنی بود. این گروه حضور گسترده‌ای در استان‌های الانبار، دیاله، بغداد پیدا کرد که مرکز استان دیالی یعنی شهر بعقوبه را به‌عنوان پایتخت دولت خود خوانده اسلامی عنوان کرد. (Cruickshank, et al 2015) اما در پی حملات نیروهای آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۷ بسیاری از اعضای رده‌بالای این گروه کشته و یا دستگیر شدند و در بین ماه‌های جولای و اکتبر ۲۰۰۷ القاعده در عراق پایگاه‌ها و تجهیزات نظامی خود را در استان الانبار و نواحی بغداد از دست داد. در طی سال ۲۰۰۸ مجموعه‌ای از حملات نیروهای آمریکایی و عراقی با هدف دستگیری اعضای باقی‌مانده القاعده عراق در

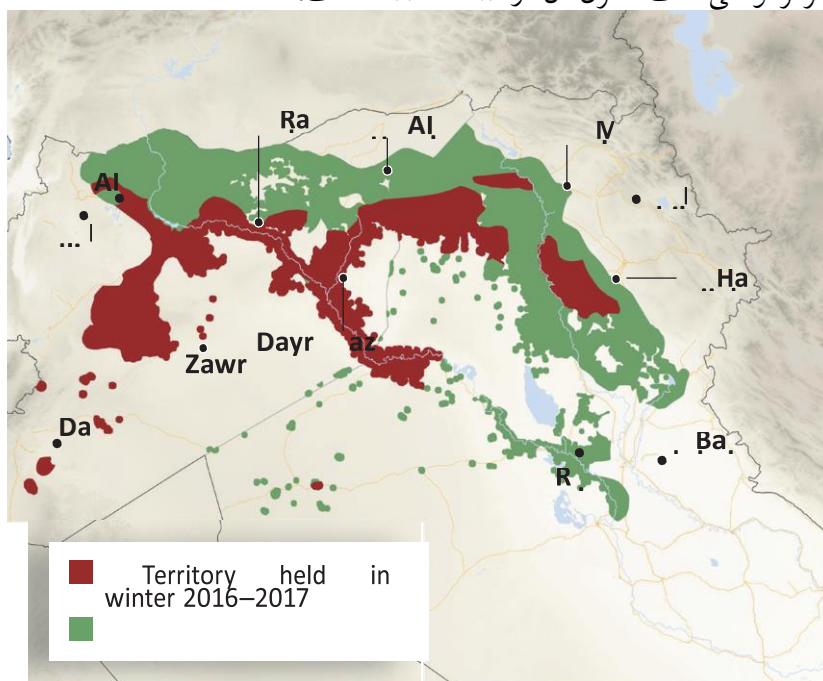
<sup>1</sup> "Organization of Jihad's Base in Mesopotamia"

<sup>2</sup> al-Qaeda in Iraq (AQI)

شهرهای دیالی، الانبار و نواحی شمالی شهر موصل صورت گرفت (al-Warfalli, 2016). تا سال ۲۰۰۸ این گروه تروریستی خود را دولتی با بحران‌های فراوان معرفی می‌کرد و اقدامات خشونت‌آمیز را برای کنترل نواحی مختلف انجام داد که با مقاومت از سوی گروه‌های سنی مواجه و منجر به سقوط موقت آن شد. اما می‌توان گفت که داعش محصول جانبی مداخلات آمریکا در عراق و خروج پس از آن بوده است. مداخلات سال ۲۰۰۳ در پی حمله آمریکا به عراق باعث تغییر توازن سیاسی در این کشور شد. تا پیش از حمله به عراق سنی‌ها بر کشور حاکم بودند. اما بعد از حمله آمریکا شیعیان بر عراق تسلط یافتند. این امر منجر به افزایش نارضایتی و انشعاب و موضع‌گیری سنی‌ها نسبت به تسلط شیعیان شد. در این میان ابومصعب الزرقاوی رئیس این جنبش و به‌عنوان بی‌رحم‌ترین و در عین حال موفق‌ترین رهبر این جنبش ظهور کرد. در سال ۲۰۰۲ الزرقاوی در عراق ساکن و به رهبری فعال در برابر نیروهای آمریکایی تبدیل شد و به صورت رسمی در سال ۲۰۰۴ خود را هم‌پیمان القاعده معرفی کرد. ارتباط با بن‌لادن باعث شد در میان جهادگرایان سلفی در عرصه بین‌الملل اعتبار کسب کرده و جایگاه خود را به‌عنوان رهبر جنبش انشعابی سنی در عراق تثبیت کند. در سال ۲۰۱۱ نیروهای آمریکایی از عراق عقب‌نشینی کرده ولی همزمان همسایه آن‌ها یعنی سوریه درگیر جنگ داخلی شد. در همین زمان بود که رهبر جدید القاعده عراق یعنی ابوبکر بغدادی مرکز سازمان را به سوریه منتقل کرد. اما در عین حال چون نتوانست در برابر رهبر دیگر القاعده ادعای رهبری کند در پی اختلاف با القاعده، در سال ۲۰۱۴ روابط خود را با این گروه به هم زده و خود را رهبر جهانی جنبش جهادی سلفی معرفی کرد. در این میان خروج آمریکا از عراق باعث افزایش نفوذ ایران در عراق و قدرت گرفتن شیعیان شد. از سوی دیگر در حالی که داعش در سوریه قدرت خود را بازیافته بود در اوایل ۲۰۱۴ به سرعت تا حومه بغداد راه خود را بازیافت. نیروهای عراقی در نهایت با همکاری ایران و آمریکا (آمریکا از طریق ارائه مشورت نظامی و خدمات پلیسی و ایران با تقویت گروه‌های شبه‌نظامی شیعه) به مبارزه با داعش پرداختند و عملیات بازپس‌گیری مناطق سنی‌نشین عراق آغاز شد. در واقع در اواخر سال ۲۰۱۴ دولت اسلامی بیش از ۱۰۰ هزار کیلومتر از اراضی را در اختیار داشت که بیش از یازده میلیون نفر (بیشتر در عراق و سوریه) در این اراضی ساکن بودند. در طول سال ۲۰۱۵ دولت خودخوانده اسلامی به همکاری با شبکه‌های نظامی محلی پرداخت و مراکز جدیدی را در مصر، لیبی، نیجریه و افغانستان بنیان نهاد. همچنین این گروه تکفیری، داعیه حکمرانی بر برخی از

استان‌های عربستان سعودی، الجزیره و قفقاز را داشته اما این کنترل‌ها به شکل سرزمینی نبود. گروه‌های جهادگرای سلفی موجود در سومالی، فیلیپین، ترکیه، بنگلادش، اندونزی، مالی و تونس وفاداری خود را به داعش اعلام کردند و همچنین ده‌ها هزار نفر از سراسر جهان جذب آن شدند که این افراد شهروندان اروپایی و آمریکایی را نیز شامل می‌شود. این دولت خودخوانده کنترل و گسترش خود را با استفاده از خشونت شدید و همکاری با گروه‌ها و افراد ناراضی محلی تحکیم کرد. (McCants, 2015)

در آغاز سال ۲۰۱۵ دولت خودخوانده داعش بخشی از نواحی و مناطق تحت کنترل خود را از دست داد و در عین حال با مقاومت ائتلافی از نیروهای محلی دولتی، نیروهای آمریکایی و سایر قدرت‌های بیرونی و گروه‌های نظامی غیردولتی روبرو شد. شکل یک نشان‌دهنده تغییرات در نواحی تحت کنترل داعش در عراق و سوریه بین سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶-۲۰۱۷ است در این تصویر نقاط سبز نواحی از دست رفته داعش و نقاط قرمز نواحی تحت کنترل آن در ۲۰۱۶-۲۰۱۷ است.



SOURCES: Fall 2014 estimates are based on U.S. Department of Defense, "Iraq and Syria: ISIL's Areas of Influence, August 2014 Through April 2016," Washington, D.C., 2016a.

از دست رفتن مناطق و گروه‌های طرفدار نیز چالشی جدی برای داعش محسوب می‌شود. با وجود این تحولات، گروه مذکور سعی در تداوم هدایت و الهام‌بخشی در حملات تروریستی به منظور انتقام از دشمنان داشته و به دنبال وادار کردن نیروهای خارجی به عقب‌نشینی و طعمه‌گذاری برای دولت‌ها و وادار کردن آن‌ها به واکنش‌های افراطی با امید ترویج افراط‌گرایی ایدئولوژیک بوده است. به‌طور کلی دولت خودخوانده اسلامی تمایلی به محدود ماندن در ناحیه یا کشور خاصی ندارد. با اینحال با شکل‌گیری ائتلاف‌های مختلف جهانی و منطقه‌ای و حتی محلی، برخلاف تمایل به کشورگشایی، با مصائب فراوانی مواجه است. داعش از گروه نظامی که مناطق مختلف را کنترل می‌کند تبدیل به گروه تروریستی مخفی و زیرزمینی شده است که به مقامات دولتی و مردم غیرنظامی حمله می‌کند. در بین سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۷ نواحی تحت کنترل داعش در عراق، سوریه، افغانستان، لیبی و نیجریه کاهش یافته است. (Winter, 2018)

در حقیقت از زمان اوج‌گیری، دولت خودخوانده اسلامی از اواخر سال ۲۰۱۴ به تدریج در حال از دست دادن نواحی مختلف بوده است. همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد. این گروه در سوریه و عراق در حدود ۴۵,۳۷۷ کیلومتر با جمعیتی تا حدود ۲,۵ میلیون نفر تا اوایل سال ۲۰۱۷ را تصرف کرده بود. این اعداد در مقایسه با سال ۲۰۱۴ نشان می‌دهد که داعش ۵۶ درصد از جمعیت خود را در سوریه و ۸۳ درصد را در عراق از دست داده است. در مصر، لیبی، افغانستان و نیجریه دولت خودخوانده اسلامی در مجموع ۷۲۳۲ کیلومتر و در حدود ۴۹۷۴۲۰ کیلومتر را در اوایل سال ۲۰۱۷ در اختیار داشته است. این تخمین‌ها بیانگر این است که ۷۵ درصد جمعیت طرفداران داعش در نیجریه و تقریباً ۱۰۰ درصد در لیبی و ۸۷ درصد در افغانستان کاهش یافته است. در مصر نیز این گروه تنها در بخش بسیار اندکی در صحرای سینا فعال است. همچنین نظر سنجی‌ها نشان می‌دهد که حمایت جهان اسلام از داعش و ایدئولوژی آن نیز بسیار کاهش یافته است. (Kilcullen, 2016)

با این حال و به‌رغم اینکه خلافت دولت خودخوانده اسلامی داعش افول کرده است اما همچنان مراکزی را در آفریقا، خاورمیانه و آسیا ایجاد کرده، آن‌ها را هدایت می‌کند و الهام‌بخش حملات تروریستی است. سقوط نواحی و مناطق تحت تسلط داعش در سوریه و عراق باعث از بین رفتن حضور و سیع‌تر این گروه شده، با اینحال این امکان وجود دارد که گروه مذکور همانند القاعده، همچنان تأثیر خود را حفظ کند. حضور و ردپای داعش به صورت رسمی در هشت استان خارج از عراق و سوریه و چند ده استان غیررسمی دیده

شده و ده‌ها هزار پیرو در سراسر جهان دارد. یکی از استراتژی‌های داعش گسترش تعصب اسلامی در قاره‌های مختلف است. اما میزان تداوم داعش در عصر حاضر به این موضوع باز می‌گردد که واکنش‌های گروه‌های درگیر به اقدامات داعش چگونه باشد؟ و چگونه بعد از شکست‌های پیاپی و از دست رفتن خلافت در سوریه و عراق تغییر خواهد کرد. یکی از اهداف و آرزوهای دولت خودخوانده اسلامی کنترل نواحی مختلف با استفاده از گروه‌های شورشی و طغیانگر بوده است. داعش تنها گروهی شورشی و طغیانگری نیست که در تاریخ اخیر ظهور یافته است بلکه از جنگ جهانی دوم تاکنون حدود ۲۰۰ شورش رخ داده است. اما چیزی که این گروه را از بقیه گروه‌های شورشی جدا می‌کند، تمایل و علاقه این گروه به کشورگشایی در آفریقا، خاورمیانه و آسیا و همچنین تضمین اتحاد با مسلمانان در هر جایی است (Jones, 2016).

در بحث کنترل نواحی در برخی موارد داعش توان کنترل کامل را نداشته و به همین دلیل از تأثیر و نفوذ بر جمعیت محلی استفاده می‌کرد. در نواحی تحت کنترل، داعش، پادگان را در داخل یا نزدیک روستاها و شهرها بنا کرده تا بتواند به صورت آزادانه عملیات خود را انجام دهد. همچنین برای کنترل مردم محلی از معیارها و روش‌های خاصی استفاده می‌کند. اما این کنترل نواحی در سال ۲۰۱۷-۲۰۱۶ رو به کاهش بوده است. به خصوص نواحی حومه موصل و شهرهایی همانند سنجار، بایجی، تکریت و رمادی را در برابر نیروهای آمریکایی و متحدانش، نیروهای امنیت عراقی و نیروهای شبه‌نظامی شیعه، سنی و کرد از دست داده است. مشابه همین امر در سوریه نیز اتفاق افتاد و در همین بازه تاریخی ۲۰۱۷-۲۰۱۶، استان‌های شرقی و شمالی سوریه رقه، حسکه و حلب را نیز از دست داد (Jones, et al, 2017).

در افغانستان اوج نفوذ داعش در سال ۲۰۱۵ و در استان جنوبی فراح و استان شرقی نانگهار و استان هلمند بود. اما تا پایان سال ۲۰۱۷ این کنترل تا ۸۷ درصد کاهش یافت، در دو استان فراح و هلمند به طور کامل از دست داد و متحمل شکست سنگین درگیری با طالبان و حملات نیروهای آمریکایی و افغان شد. در نیجریه نیز داعش با بوکو حرام همکاری داشت و در سال ۲۰۱۷ ائتلاف نیروهای نظامی نیجریه، چاد، کامرون و نیجر علیه بوکو حرام را آغاز کردند و در مارس ۲۰۱۵ بوکو حرام کنترل نواحی شمالی نیجریه را از دست داد. اما در این میان مهم‌ترین نواحی تحت کنترل داعش که در لیبی و به خصوص

شهر سرت بود که به‌طور کامل بازپس‌گیری شد. همین فرایند در مصر، تونس نیز طی شد (Mohammed, 2014).

## ۲- ریشه‌های اجتماعی داعش

برای فهم عوامل ظهور داعش برخی ممکن است بر متن تاریخی و اجتماعی آن تاکید کنند. ریشه‌های اولیه ظهور فیزیکی این گروه بدنبال حمله آمریکا در سال ۲۰۰۳ به عراق بوده است. در این زمان برخی استانهای تحت سلطه سنی‌ها بویژه الانبار و سایر استان‌های غربی به نوعی از سقوط صدام خرسند بودند. اکثریت شیعی نیز در چنین فضایی از بغداد تا بصره قدرت خود را گسترانیده و سنی‌ها را به حاشیه راندند. به این دلیل هر حرکتی که وعده بازیابی به قدرت را به سنی‌ها می‌داد جذابیت داشت. اولین جرقه‌های چنین واقعه‌ای را ابو مصعب الزرقاوی جهادی نظامی از اردن رقم زد. او که در خانواده آوراگان فلسطینی متولد شده بود پس از سپری کردن دوران جوانی خود در دزدی و قاچاق مواد مخدر، تحت تاثیر تفسیری سخت‌گیرانه از اسلام وهابی قرار گرفت که مهمترین آن «گردن زدن» مخالفان تفسیر دینی خود بود. شروع این حرکت در عراق بر مبنای آموزه‌ها و ترس‌های سنی‌ها در مناطق غربی این کشور بود که تحت سیطره شیعیان و نیروهای آمریکایی قرار داشتند. بر خلاف اجتهاد و عقل‌گرایی و تفسیر متن، اعتقاد به نص‌گرایی در اهل سنت بخصوص در نوسلفیسم داعش بشدت تاکید می‌شود (خاکسار و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۴).

زرقاوی به سنی‌ها تصور یک جنگ بزرگ علیه این نیروها را القاء کرد که در نهایت از طریق آزادسازی خشونت بار صورت می‌گیرد. او جنبش خود را «القاعده عراق» نامگذاری کرد با این تصور که حمایت سازمان بین‌المللی تحت هدایت بن لادن و ایمن الظواهری را بدست آورد. با اینحال روابط ایندو هرگز خوب نبود زیرا زرقاوی بر اولویت‌ها و سبک رهبری خود تاکید می‌کرد. به‌رغم دشمنی القاعده با شیعیان، این گروه با موضع‌گیری افراطی نسبت به این گروه و نیز گردن زدن مخالفان موافق نبودند. همین امر نیز باعث شد تا به‌رغم شکوفایی اولیه القاعده عراق و کسب حمایت جوانان رادیکال عرب سنی بویژه بعد از ویرانی شهر فلوجه به دست آمریکایی‌ها در سال ۲۰۰۴، رهبران قبایل سنی به شکل فزاینده‌ای نگران اسلام خشک و انعطاف‌ناپذیر زرقاوی شدند. در سال ۲۰۰۶ زرقاوی در حمله نیروهای ارتش آمریکا کشته شد. رئیس جدید القاعده عراق یک مصری به نام ابویوب المصری، نام القاعده را برای این سازمان حفظ کرد اما اعلام کرد که درصدد ایجاد یک دولت اسلامی در منطقه است که توسط خلیفه عراقی، ابو عمر البغدادی رهبری



خواهد شد. مصری و البغدادی نیز در حملات نیروهای نظامی آمریکا کشته شدند و رهبری سازمان به یک عراقی دیگر واگذار شد. وی نام البغدادی را حفظ کرد و خود را ابوبکر البغدادی خواند و بعدها خود را خلیفه دولت اسلامی خواند. در این زمان سازمان مذکور یعنی القاعده عراق شکست خورد. اما آنچه که از بین رفت «امید» بود و امید جدید بر این مبنا بود که راه حل سیاسی نمی‌تواند وجود داشته باشد. خروج نیروهای آمریکایی از مناطق سنی نشین غرب عراق در سال ۲۰۰۷ و به قدرت رسیدن قبایل محلی نظامی به ضرر القاعده عراق در نهایت منطقه را به سمت کنترل رهبران مذهبی و قبایل سنتی سوق داد. کنش‌هایی که از آن به «بیداری» یاد می‌شود. این راه حل از زمان خروج نیروهای آمریکا در سال ۲۰۱۴ و خلاء متعاقب آن، عراق را به سمت بحران پیش برد بویژه اینکه حفظ حمایت رهبران قبایل سنی بر دوش نوری المالکی و حکومت او افتاد. رویکرد انحصارطلبانه نوری المالکی و رها کردن رهبران سنی یک بار دیگر این احساس را به آنها داد که در حاشیه قرار گرفتند. اضطراب آنها به ترس و ترسشان به چشم انداز پارنوئیدی از جنگ منجر شد. از این لحظه است که البغدادی و دولت خودخوانده اسلامی مجدداً به صحنه سیاسی و نظامی برگشتند. شورش‌ها در کشور همسایه یعنی سوریه نیز باعث شد تا پایگاه جدیدی برای آموزش و تجهیز جهادی‌ها فراهم شود. در این ظهور جبهه النصره و تلاش ظواهری رهبر القاعده برای ایجاد همکاری میان این دو گروه و اختلاف میان آنها تحولاتی بود که در نهایت باعث شد تا البغدادی ضمن رد درخواست‌های رهبر القاعده، دولت خودخوانده اسلامی را بنیانگذاری کند. آنچه از نظر جامعه‌شناختی اهمیت دارد همکاری اعراب سنی با داعش در سوریه و عراق تا حدود زیادی نه «ایدئولوژیکی» بلکه «فرصت طلبانه» تلقی می‌شود. یوگن اسمایر بیان می‌کند که مصاحبه‌های متعدد و وسیع با آوارگان موصل نشان می‌دهد همکاری آنها با داعش مبتنی بر انگیزه‌های فرصت طلبانه سیاسی و اقتصادی بوده است. با این حال آنها معتقد بودند تنها داعش بوده که چشم انداز پذیرش اعراب سنی را ایجاد کرده است (Juergensmeyer, 2000: 141). در حقیقت می‌توان گفت ریشه این جنگ وسیع در منطقه و تمایل به یک گروه تروریستی، «ترس» بوده است.

### ۳- جنگ جهانی جهادی

این تصویر از جنگ الهی که عرب‌های سنی ادراک می‌کنند و داعش بر روی آن سرمایه‌گذاری کرده است ترجیح بند آشنای جنبش‌های خشونت‌گرایی است که هم پیوند با مذهب می‌باشد. یورگنس مایر در کتاب «ترور در ذهن خدا: ظهور جهانی خشونت

مذهبی» این تصاویر را به عنوان «جنگ نامتناهی»<sup>۱</sup> توصیف می‌کند (Juergensmeyer, 2000: 1416).

این همان چیزی است که کلازویتس، نظریه پرداز جنگ، در قرن نوزدهم، جنگ تمام عیار خوانده است: «یعنی ایده نبرد وجودی، یک جنگ نهایی میان خوب و بد و میان نظم و آناارشی که جنگ همه یا هیچ برای بقا می‌باشد» (Clausewitz, 1832).<sup>۲</sup> با به رخ کشیدن این جنگ‌ها در شرایط مذهبی، تبدیل به نبردهای مقدس می‌شوند، جنگ‌های بزرگی که در آن هیچ نشانه‌ای از عقب نشینی یا تسلیم در آن دیده نمی‌شود. تصویر جنگ لایتناهی هم‌پیوند با شورش عرب‌های سنی که در نهایت منجر به ظهور داعش در عراق شده است با سه مشخصه شناخته می‌شود:

- برداشت از یک مناقشه اجتماعی که بقای فرهنگی عرب‌های سنی را تهدید می‌کند.
- این احساس که به جز جنگ هیچ راه فرار یا معبری وجود ندارد؛
- امیدی مذهب محور که با کمک پروردگار در نهایت آنها پیروز خواهند شد (Juergensmeyer, 2018: 6).

این سه شرط بخشی از تصویر جنگ همه جانبه است که الهام بخش عرب‌های سنی در غرب عراق بوده است و باعث حمایت آنها از القاعده و سپس داعش شد. بدون آنها غیرمحمتمل است که الهیات کیهانی البغدادی جذابیتی برای توده‌ها داشته باشد. داعش می‌تواند به عنوان یک چرخه کوچک از «تصورات آخرالزمانی»<sup>۳</sup> وجود داشته باشد اما بدون حمایت سنی‌های عرب که این گروه را به عنوان یک رژیم سیاسی برای سه سال (۲۰۱۷-۲۰۱۴) در غرب عراق و شرق سوریه تداوم بخشید نمی‌توانست به حیات خود ادامه دهد. این سه ویژگی همچنین بخشی از پس زمینه سازواری دیگر داعش محسوب می‌شود: شبکه وسیعی از طرفداران بین‌المللی که به عنوان سربازان جهادی به این گروه ملحق شدند. این هواداران تا حدود زیادی جوانان مهاجر مسلمان شمال آفریقا و خاورمیانه هستند که در اروپا یا آمریکای شمالی در حاشیه و بدون امید به آینده زندگی می‌کنند. اینها

<sup>1</sup> - cosmic war

<sup>2</sup> - von Clausewitz, Carl. 1832. *On War*. Berlin: Dümmlers Verlag.

<sup>3</sup> - apocalyptic theology

<sup>4</sup> - apocalyptic visionaries

همان جوانانی هستند که البغدادی از آنها به عنوان ستون و گروه ضربت، عملیات‌های انتحاری، ارباب و وحشت و گردن زدن مخالفان استفاده می‌کند. بطور مثال حمله کنندگان مرتبط با داعش در سن برناردینو تابعیت عربستانی، بمب گذران بروکسل و کلوب شبانه پاریس بلژیکی مراکشی تبار و تیرانداز اورلاندو یک آمریکایی افغانی الاصل و حمله کنندگان به فرودگاه استانبول در جون ۲۰۱۶ از قرقیزستان، ازبکستان و داغستان بودند. در حقیقت ویژگی مشترک همه اینها، خارجی بودن آنها بوده است. این شبکه گسترده و پراکنده از طریق ارتباطات اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی همچون توئیتر و تلگرام و وب سایت‌های بسته و مجلات آنلاین همچون "دبیق"<sup>۱</sup> و رومیه با هم ارتباط برقرار می‌کردند. جامعه شکل گرفته از طریق این تعاملات آنلاین چیزی است که از آن به "خلیفه سایبری"<sup>۲</sup> نام می‌برند. جوانان و افرادی که در این دام گیر افتادند دارای انگیزه‌های متعددی بودند. شاید قوی‌ترین محرک، خواست درگیر شدن در جنگ بزرگ بوده است: یک مناقشه طولانی که به آنها اجازه می‌داد تا فانتزی‌های بازی‌های کامپیوتری، خونریزی و تهور را تجلی ببخشند. اما برخی نیز با نگرش تاریخی و بعد مذهبی به حمایت از داعش پرداختند، عقیده‌ای راسخ در خصوص نجات تمدن اسلامی مورد نظر داعش. انگیزه برخی دیگر از این جوانان نیز کسب هویت بوده است. برای آن دسته از جوانان خاورمیانه‌ای تباری که در بریتانیا، اروپا و ایالات متحده زندگی می‌کنند تجربه حاشیه‌ای بودن و بیگانگی با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند محرک قدرتمندی باری پیوستن به داعش بوده است. شکل اولیه و اصلی مشارکت آنها در داعش در ابتدا از طریق اتاق‌های چت آنلاین و خوراک‌های توئیتری بوده است. عمار سینگام<sup>۴</sup> پژوهشگر کانادایی که به بررسی توئیتهای میان جوانان طرفدار داعش در توئیتر پرداخته، بر این باور است که تمایز «ما و آنها» بر نگرش داوطلبان داعش در قبال خارجی‌ها حاکم می‌باشد. از دید او «محیط» بخش مسلط جذابیت داعش برای این دسته از جوانان می‌باشد. بسیاری از جامعه توئیتر خود را خانواده «باقیه»<sup>۵</sup> می‌دانند

---

<sup>۱</sup> -Dabiq

<sup>۲</sup> -Rumiyah

<sup>۳</sup> -Cyber Caliphate

<sup>۴</sup> -Amarsingam

<sup>۵</sup> -Baqiyah

که معادل جاودان و ابدی می‌باشد که یکی از نمادهای داعش محسوب می‌شود. شعار این گروه این است که «به من اعتماد کن، هرگز احساس تعلق نکرده‌ام تا زمانی که با برادران و خواهرانم بصورت آنلاین بر خط ملاقات کردم. اینترنت ما را به هم مرتبط و یک خانواده نگه می‌دارد» (Amarsingam, 2015).

آرجنتینو نیز می‌گوید بررسی تصاویر و ویدئوهای داوطلبان داعشی نشان می‌دهد که این برادران باهمدیگر نماز می‌خوانند غذا می‌خورند به خطابه‌های آنلاین گوش می‌دهند و بعد از عملیات‌های جنگی همدیگر را در آغوش می‌گیرند (تصویری که یک تیم ورزشی را یادآوری می‌کند) (Argentino, 2016). این تصاویر اخوت اعضای داعش را نشان می‌دهد و احساس هویت به مثابه یک جامعه در ارتباطات آنها در فضای مجازی بسیار قوی است. یکی از استراتژی‌های بکار گرفته شده توسط داعش استفاده از حملات تروریستی علیه دشمنان دور این گروه از ایالات متحده، فرانسه، ترکیه و جاهای دیگر است. کشورهایی که در همکاری با نیروهای محلی تلاش می‌کنند تا آنها را شکست دهند. به همین دلیل در اوایل سال ۲۰۱۶ پیام‌هایی از طرف رهبران داعش صادر شد که از هواداران خود خواسته است تا در هر جایی که زندگی می‌کنند اقدامات تروریستی را انجام دهند. سخنگوی داعش ابومحمد العدنانی از هواداران خود خواسته بود تا هر جایی که هستند ماه رمضان را، به ماه مصیبت دشمنان شان تبدیل کنند. نمونه "الهام بخشی داعش" را می‌توان در عملیات کمتر سازماندهی شده سن برناردو و اورلاندو مشاهده کرد. با این حال اگرچه حملات اورلاندو و برخی دیگر را نمی‌توان صرفاً به داعش نسبت داد و ممکن است انگیزه‌های شخصی نیز محرک آن بوده باشد، آنچه می‌توان گفت که تمامی این اقدامات با برند این گروه تروریستی صورت گرفته است و در همه آنها عناصر مشترکی از خواست درگیر شدن در جنگ ابدی دیده می‌شود (Juergensmeyer, 2018:7). مانند نیروهای داعش در عراق و سوریه، این افراد خود را درگیر مناقشات اجتماعی می‌بینند که از آن به مثابه تهدید وجودی و تهدید مشروعیت فرهنگی و در نهایت تهدید بقا برداشت می‌کنند. آنها تصور می‌کنند که در مخمصه‌ای گرفتار شدند که راه خلاصی از آن جز جنگ وجود ندارد. مانند بقیه افراد داعش، آنها امید و آرزویی چنگ می‌زنند که براساس آن، خداوند به

---

<sup>1</sup> -enduring

موفقیت آنها کمک می‌کند و اتحاد آنها منجر به تغییر نهایی و رستگاری در سطح فردی و همچنین سطوح اجتماعی می‌شود.

#### ۴- سه جهان بینی داعش

کاربرد تحلیل جهان بینی شناخت شناسانه در مورد داعش نشان می‌دهد که این گروه نه فقط یک جهان بینی بلکه جهان بینی‌های متعدد دارا می‌باشد. هر کدام از این جهانی‌بینی‌ها نه فقط نشان‌دهنده چارچوبی متمایز است، بلکه محوری از روابط اجتماعی است که با دو محور دیگر تفاوت دارد. علاوه بر این، گروه تکفیری داعش یک جنبش صرف نیست بلکه حداقل از سه گروه مختلف در یک ائتلاف نه چندان آسان به وجود آمده است. هر کدام از این گروه‌ها دارای دستورالعمل و احتمالات مختص به خود برای تداوم بلند مدت بعد از فروپاشی و سقوط مناطق اشغالی داعش هستند. داعش به صورت همزمان، جنبشی برای قدرت بخشی مسلمانان سنی مذهب، جنبش جهانی جهادی و تفکر آخرالزمانی است (Mansour, 2016). هر کدام از این گروه‌ها ممکن است مدت‌ها بعد از پاکسازی جاده‌ها از بغداد و موصل و از دمشق به رقه به یک شکل یا شکل دیگری تبدیل شده باشند. لازم به ذکر است از نظر اندیشه جریان‌های تکفیری با تاکید بر تکفیر فرقه‌های اسلامی بویژه شیعیان، نقش مهمی در واگرایی، شکاف و اختلاف در میان جوامع اسلامی دارد. این موضوع بویژه به دلیل تعارض مبانی فکری و عملکردی آنان با شیعیان به عنوان روافض و تاکید بر اولویت جهاد با آنان حتی قبل از یهود (اسرائیل) از اهمیت بسیاری برخوردار است چنانچه با گسترش این اندیشه‌های انحرافی تکفیری، زمینه‌های اجتماعی مقابله با شیعیان و بویژه ایران در میان توده‌های مسلمان تقویت می‌گردد در این زمینه باید توجه داشت که با توجه به اولویت ملت‌ها در سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران، گسترش اندیشه‌های تکفیری یکی از مهمترین موانع جدی فراروی گفتمان انقلاب اسلامی برای دستیابی به وحدت جهان اسلام و از منابع تهدید آفرین می‌باشد (عموری و جاودانی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۶۹ در ملکوتیان و حقی، ۱۳۹۶: ۷۰) گفتمان تکفیر با ایجاد انشقاق در بین امت واحده اسلامی و انحصار حقانیت بر خویش و فرض کردن بقیه مذاهب به عنوان «غیر» که این ویژگی را از استکبار و امپریالیسم وام گرفته است، عملاً در پیکره امت واحده اسلامی شکاف ایجاد کرده است. این در حالی است که مذاهب اسلامی در مسائل کلان امت اسلامی همیشه در طول تاریخ دارای وحدت رویه بودند و با وجود اختلافات ریز، هیچگاه کلیت امت اسلامی را تهدید نمی‌کردند. یکی از این مسائل کلان قضیه

فلسطین بود و هست که علمای اسلام در محکوم کردن اشغال و در دفاع از مردم فلسطین و توصیه مسلمانان به مقابله با اشغالگران بیانیه‌های مهمی صادر نمودند. این در حالی است که گفتمان تکفیر نه تنها نسبت به قضیه فلسطین موضع خنثی دارد بلکه در مواردی با اشغالگران هم سو بوده است (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۹۴ در ملکوتیان و حقی، ۱۳۹۶: ۷۰).

#### ۴-۱ جنبش توانمندسازی عرب‌های سنی

همدستی و مشارکت عرب‌های سنی در اقدامات داعش در سوریه و عراق بیشتر امری فرصت‌طلبانه و نه ایدئولوژیک بوده است. مردم برخی از روستاها به دلایل سیاسی و اقتصادی از داعش حمایت می‌کردند. سنی‌های مذکور و رهبران قبایلشان در صورتی که آنان گزینه‌ی دیگری برای جامعه خود می‌داشتند، به همان سادگی که از این گروه حمایت کرده بودند، نیز می‌توانستند به داعش پشت کنند. این موضوع امری است که در نهضت بیداری رخ داد و ابوبکر البغدادی می‌دانست که پیروان سنی در همراهی کردن القاعده عراق تا چه حد بی‌وفا و دمدمی مزاج هستند. به همین دلیل البغدادی با ایجاد حکومت وحشت در نواحی تحت کنترلش سعی کرد با ارباب و ترساندن جمعیت سنی، آنان را مجبور به پذیرش داعش کند.

#### ۴-۲ جنبش جهادی جهانی

داعش چیزی بیش از یک حکومت یا قلمرو در منطقه خاورمیانه بوده و برای اعراب سنی نیز بیش از یک سازمان و نهاد بوده است. استراتژی البغدادی جذب و به خدمت گرفتن جوانان در سراسر جهان بود تا در جنگ مقدس شرکت کنند و شاید فراتر از انتظاراتش به پیروزی هم برسد. تا اواخر سال ۲۰۱۶ گمان می‌شد که مبارزان و سربازان داعشی که در عراق و سوریه به جبهه داعش پیوسته‌اند به ۳۰ هزار نفر رسیده‌اند و همچنان همین میزان جمعیت نیز در کشورهای خود هستند و تمایل دارند تا با کفار در داخل کشور خود و در قالب اقدامات تروریستی مبارزه کنند. بر اساس یکی از مطالعات صورت گرفته این سربازان خارجی از ۸۶ کشور مختلف وارد سوریه و عراق شدند. بخش بزرگی از آنها از تونس و بعد به ترتیب از عربستان سعودی، روسیه، اردن، ترکیه، فرانسه، مراکش، لبنان، مصر و آلمان به خدمت داعش درآمده‌اند. شش هزار تن از آنان شهروندان اروپایی بوده‌اند. (Kirk, 2016) "پروژه مبارزه با افراط‌گرایی" به تفصیل به پیشینه ۹۰ نفر آمریکایی پرداخته است که به داعش پیوسته و یا تصمیم به پیوستن به آن داشته‌اند. در حال حاضر بیشتر آنان در زندان به سر می‌برند یا در طی جنگ کشته شده‌اند. (Counter Extremism Project)